

# کریسچی: فعال سیاسی اصلاح طلب عنوان کرد:

یک فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: بالاخره مجموعه شورای نگهبان و دستگاه‌های امنیتی جهت‌گیری دارند و من هم با این نوع رد صلاحیت‌ها مخالف هستم و فکر می‌کنم باید خیلی بازتر از این برخورد شود و به این معنایی که این همه آدم شناخته شده را بگوئیم صلاحیت ندارند، نباشد زیرا پس چه کسی صلاحیت دارد؟ آیا آنهايي که فقط ما قبول داریم؟ اما بالاخره تأیید صلاحیت‌ها تابع جوری است. مجموع شرایط کشور هم به گونه‌ای است که در نظر سیاسی شرایط مناسبی در کشور وجود ندارد و کارنامه درخشانی را از این مجموعه یکدست نمی‌توانیم ارائه دهیم، بنا بر این باید به گونه‌ای عمل شود که همه نیروها کمک کنند شاید شورای نگهبان و مسئولان وزارت کشور هم به این نتیجه برسند که لازم است مشارکت عمومی بالا باشد.



**رامین عبدالله شاهای**؛ غلامحسین کرباسچی از فعالان اصلاح طلب و البته میانه روی کارگزارانی است که سنی از او گذشته و با روزنامه هم میهن به ادامه کشتگری‌های رسانه‌ای و سیاسی می‌پردازد. **گفتگو با غلامحسین کرباسچی را در ادامه می‌خوانید.**

**-چند وقت پیش در جبهه اصلاحات انتخاباتی بر گزار شدو آذر منصوری رئیس این جبهه شد. از طرفی بیشتر از حزب اتحاد ملتی‌ها اعضای هیئت رئیسه این جبهه را تشکیل دادند. یعنی از یک طرف ویتربین تغییر کرد و البته عضو بیشتری پیدا کردند که جنبه غیر طبیعی نیستی ولی**

**-چند وقت پیش در جبهه اصلاحات انتخاباتی بر گزار شدو آذر منصوری رئیس این جبهه شد. از طرفی بیشتر از حزب اتحاد ملتی‌ها اعضای هیئت رئیسه این جبهه را تشکیل دادند. یعنی از یک طرف ویتربین تغییر کرد و البته عضو بیشتری پیدا کردند که جنبه غیر طبیعی نیستی ولی بیشتر به نظر می‌آید نوعی نمایشی باشند که تحت تأثیر اتفاقات پایین سال گذشته شکل گرفته است؛ از طرف دیگر این شائبه وجود دارد که امیر ابراهیم صفرزاده، محسن امین زاده و محسن میر دامادی محور تصمیم گیری‌های اخیر درون این جبهه شدند. به قول آقای قوچانی، تسخیرکنندگان سفارت دوباره تسخیر کردند.**

مگر جبهه اصلاحات لانه جاسوسی بوده است؟
به‌صورت کلی اینکه بگوئیم سه‌ نفری که البته قابل احترام هستند اما افراد چندان مهمی نیستند، بتوانند بقیه را هدایت‌کنند و دارای نقش محوری باشند، یک توهین به جبهه اصلاحات است. اینکه بگوئیم این سه نفر به آقایان خاتمی، نوری، سنجاب‌زاده و این همه آدم‌های سیاسی ... که جبهه اصلاحات با آنها کار می‌کند، خط می‌دهند و روی انگشت خود می‌چرخانند، به نظر من سخنان تحلیلات است. البته بنده هیچ وقت در بخش شورای جبهه اصلاحات و در آن مجموعه‌شسان نبوده‌ام اما آن چیزی که هست این است که آقای بهزاد نبوی یک انسان پخته و با تجربه به ۶۰سال سابقه سیاسی و مبارزاتی است و یک فرصت مغتنمی برای این جبهه بوده است و اینکه مخصوص این قانون جدیدی که تصویب شد و این خاتم را در این مقام از حزب اتحاد گذاشت، یک خسران برای جبهه اصلاحات است.

البته بنده هیچ گونه قوم و خویشی با آقای نبوی و با خاتم آذر منصوری ندارم و مشکلی با هیچکدام از این افراد ندارم، اما بالاخره تجربه‌ی یک شخصیت سیاسی که ۱۰و ۱۲سال زندان قبل از انقلاب و مبارزه چریکی در آن دوران و بعد از انقلاب حضور در وزارت‌خانه‌های مختلف از جمله در دولت آقای رجایی و در مجلس را تجربه کرده‌است و جبهه اصلاحات شخصیتی مانند آقای نبوی را رها کرده و کسی که تازه اممش مطرح شده را انتخاب کند، یک کار سطحی است؛ زیرا این دو شخصیت برای نمایندگی از یک مجموعه سیاسی و ارتباطات مورد نیاز آن قابل مقایسه نیستند. فرض کنید از جبهه اصلاحات برای جایی نماینده‌ای بخواهند حالا آقای نبوی با این سابقه پرود و نمایندگی کند آیا کسی که اممش به تازگی در مسائل سیاسی مطرح شده‌است؟ حالا چه ساز و کار و استدلالی در زمان انتخابات بوده است و چون حالا گفتند زن، زندگی، آزادی، یک زن باید نماینده بشود، به‌نظر من کار خیلی سطحی است و خیلی کار پخته‌ای نیست.

**-گویا آذر منصوری تنها کاندیدی انتخاباتی است جبهه اصلاحات بوده است و در حالی که افراد دیگری نیز تمایل داشتند کاندیدا شسوند اما در جبهه اصلاحات اجازه داده نشده است؟**

خوبی در این باره اطلاعی ندارم و دنبال نمی‌کنم چون فکر نمی‌کنم بتوانند نقش مهمی در جامعه ایفا کنند.
**-حضور چند نفری بانوان در جبهه اصلاحات هم مربوط به زن، زندگی آزادی می‌شود؟**
بله دیگر حالا اگر کسی بخواهد به مجموعه بانوان اهمیتیی بدهد، در این خصوص دولت آقای احمدی نژادمی تواند سرش را از این جهت بالا بگرد

اگر ما بپذیرد به مجموعه بد بین هستیم باید انتخابات ریاست جمهوری و حتی کار سیاسی را هم باید کلاً رها کنیم. اصلاح جبهه اصلاحات خیلی شیرین است این جبهه اصلاحات در دوره قبل تشکیل شد برای اینکه گروه‌های سیاسی را برای انتخابات هماهنگ کند. تاریخچه آن را نگاه کنید و نامه‌ای که نوشتند و به وزارت کشور مراجعه کردند، اشاره داشتند که این گروه برای امر انتخابات تشکیل شده‌است بعد تصمیم گرفتند که در انتخابات شرکت نکنند و بعداً آن را هم ادامه دادند.

**-این یک پارادوکس است دیگر!**

یعنی اگر مفهوم تشکیل یک جبهه برای انتخابات است برای اینکه طبق قانون احزاب هم ما جبهه‌های سیاسی را در زمان انتخابات تشکیل می‌دهیم و گروه‌هایی که می‌خواهند امر انتخابات را پیش ببرند با هم یک جبهه تشکیل می‌دهند تا با هم هماهنگ باشند. این گروه جبهه اصلاحات هم برای همین تشکیل شده‌است حالا می‌خواهد بگوید در انتخابات شرکت نمی‌کنیم و اصلاً این چگونگی توجیه دارد؟

**-آیا این دو قطبی‌سازی و برای گرفتن امتیاز نیست؟ عده‌ای از اصلاح طلب‌ها گفتند نمی‌خواهیم در انتخابات شرکت نمی‌کنیم و عده‌ای هم می‌گویند حالا فعلا پیش ثبت نام‌ها را انجام دهیم تا بعداً ببینیم چه می‌شود؟**

من نمی‌گویم اصلاح طلبان مقصر هستند اما به هر حال اگر شما در مقام قدرت به هر دلیلی نتوانید چنین حرکتی کنید و حتی در جایگاه‌های مشابه مثل نمایندگی مجلس و وزارت‌خانه‌ها کاری انجام ندادید و تا یک شرایطی و مقطعی فرصتی پیش آمده به نظر من چنین حرکتی یک کار سطحی بوده که انجام ندادند.

**-جسارتا می‌توانیم بگوئیم کار پوپولیستی بوده است؟**

حالا شاید برای جذب افکار عمومی بوده (با خنده)، آن قسمتش اتهام است اگر بخواهیم بزنیم اما به نظر من یک کار سطحی بوده که گویا مثلاً هیجان شیدند.

**-گویا آقای خاتمی مخالف بوده‌اند در این زمینه اطلاعی دارید؟**

نه نمی‌دانم. من هیچ صحبتی در این زمینه با آقای خاتمی نداشتم اما به نظر من کار پخته‌ای نبوده است.

**- برخی جریانات اصلاحات نگاه تندی نسبت به انتخابات دارند. در ایام هر انتخاباتی بحث نظرات استصوابی را مطرح و بعد نتیجه گیری می‌کنند که حضور ما در انتخابات بی‌فایده است که البته این روش همیشگی آنها در هر انتخاباتی بوده است؛ حالا برای انتخابات مجلس بهانه جدیدی هم پیدا کردند و آن اغتشاشات سال گذشته است و به جای تلاش برای رفع مشکلات مردم می‌گویند مردم ناامید هستند و در انتخابات شرکت نمی‌کنند و ... شما این را می‌پذیرید که این بحث روش و تاکتیک است که دیگر فایده‌ای ندارد و با توجه به واقعیت‌های میدانی که مشاهده می‌کنند آنها را ادامه می‌دهند؟**

ایجاد ایسن روحیه و این جهت‌گیری بیشتر معلول حرکت نظام است، چون وزارت کشور، شورای نگهبان و قانون مجلس سه گونه‌ای با هم تنظیم می‌شوند که کسی غیر از افرادی که مد نظر خودشان است و صالح می‌دانند در انتخابات فرصتی پیدا نکند. مخصوصاً این قانون جدیدی که تصویب شده و گفتند تا این تاریخ پیش ثبت نام انجام دهید. در حالی که هنوز در جریانات سیاسی رایزنی‌های انتخاباتی آغاز نشده‌بود. این در واقع یک هشدار ی البته نمی‌شود درباره عملکرد شورای نگهبان قضاوت کرد چون شورای نگهبان در هر دوره‌ای برخوردهای متفاوتی داشته‌است، یعنی بعضی دوره‌ها سخت‌گیری‌ها بیشتر بوده بعضی دوره کمتر بوده است از آن طرف من در برخی جلسات از دوستان اصلاح طلب سوالی را پرسیدم؛ ما اگر انتخابات را هم کنار بگذاریم چه باید بکنیم؟ یا باید از کار سیاست کنار گیری کنیم یا باید به یک شیوهای حرف خودمان را بزنیم. اگر بخواهیم متوسل به نظارات و خیابان شوئیم که این کار سیاسی نمی‌شود. حالا یک وقت نظارات موردی پیش می‌آید، اتفاقی می‌افتد و مردم به هیجان می‌افتند که بحث آن جدا است ولی یک جریان سیاسی که نمی‌تواند بگوید که من می‌خواهم همه کار سیاسی خود را با نظارات و در خیابان انجام دهم!

**-و با صندوق قهر کند؟**

بله؛ در واقع تمام همت جمهوری اسلامی و حتی از قبل آن از زمان مشروطه تا حالا این بوده است که ما کاری کنیم که در کشور انتخابات باشد و برگزار شود. حالا کاری ندارم انتخابات را عده‌ای در دست بگیرند و بخش‌هایی مانند شورای نگهبان سخت گیری‌های بی مورد انجام دهند و دستگاه‌های امنیتی دخالت بکنند، که اینها کار غلطی است و ما آنرا قبول نداریم؛ ولیسی از آن طرف هم به‌طور کلی نباید کاری کنیم که کلاً مفهوم انتخابات در کشور از بین برود و بیچ و مهره انتخابات را بنیاد شل کنیم. در هر شرطی به‌نظر من اگر کسی معتقد باشد نظام جمهوری اسلامی با همه انتقادها و ایرادهایش بالاخره باید اصلاح شود، راه‌اصلاح اگر انتخابات نیستی پس چیست؟ اینکه بگوئیم این دوره در انتخابات شرکت نمی‌کنید پس بعدها انتخابات ریاست جمهوری را چه کار می‌کنید؟

### سیاسی

**کریاسچی: فعال سیاسی اصلاح طلب عنوان کرد:**

# چه کسی صلاحیت دارد! آیا آنهایی که فقط ما قبول داریم؟

یک فعال سیاسی اصلاح طلب گفت: بالاخره مجموعه شورای نگهبان و دستگاه‌های امنیتی جهت‌گیری دارند و من هم با این نوع رد صلاحیت‌ها مخالف هستم و فکر می‌کنم باید خیلی بازتر از این برخورد شود و به این معنایی که این همه آدم شناخته شده را بگوئیم صلاحیت ندارند، نباشد زیرا پس چه کسی صلاحیت دارد؟ آیا آنهايي که فقط ما قبول داریم؟ اما بالاخره تأیید صلاحیت‌ها تابع جوری است. مجموع شرایط کشور هم به گونه‌ای است که در نظر سیاسی شرایط مناسبی در کشور وجود ندارد و کارنامه درخشانی را از این مجموعه یکدست نمی‌توانیم ارائه دهیم، بنا بر این باید به گونه‌ای عمل شود که همه نیروها کمک کنند شاید شورای نگهبان و مسئولان وزارت کشور هم به این نتیجه برسند که لازم است مشارکت عمومی بالا باشد.

بله آقای خاتمی هم هر چه حرف معقول و معتدل می‌زند، مشاهده می‌کند که تأثیری ندارد. ایشان چند مورد در همین جریانات آرامی‌ها حرف زدند و در ظاهر و علنی و غیر علنی حرف زد و مواضعی را اعلام کرد. به هر حال وقتی که یک کسی صحبتی را مطرح می‌کند و می‌بیند گوش داده نمی‌شود مجبور می‌شود، داد بزند.

**-تاثیری دارد؟**

خیر
**-اینگونه راهکارها راهایی است که فایده‌ای ندارد.**

گویا شما هم مانند ما از تأثیر گذاری مایوس هستید؟ (با خنده)

**-خیر اینگونه نیست مواضع رادیکال مطرح شده خاتمی را نقد می‌کنم. به عنوان مثال تقاضی زاده در کلاب هاوس علناً آن حرف ولایت تسبیح به عنوان مهم‌ترین رکن کشور سخن گفت. اینگونه مواضع غیر واقع‌بینانه است و مشکلی را حل نمی‌کند.**

اینکه او را زندان کردند مشکل را حل می‌کند؟
**-پاسخگوی این امر بخش قضائی کشور است که حتماً برایش پاسخی دارند.**

این هم آقای تاج زاده باید پاسخ بدهد.

**-به‌نظر خاتمی نباید از مواضع قبلی خود عبور کند. موافقت نمی‌خواهم بگویم پدر اما او در نقش برادر بزرگتر اصلاحات است؟ خیلی از گروه‌های مختلف اعم از میانه رو و تند رو راحتم پوشش قرار می‌دهد ولی گویا خاتمی مصادره یک جریان خاص شده است؟**

بیشترین ناسزا و توهین را مجاهدین خلق، ضد انقلاب‌ها و سلطنت طلب‌ها به او نسبت دادند. حتی در جریانات اخیر به عنوان اینکه شما کنار نظام هستید و آقای خاتمی را زینس جمهور سابق داخل این نظام می‌دانند و آنهایی که می‌خواهند این نظام نباشد، می‌گویند، حضور آقای خاتمی حتی در زمان ریاست جمهوری باعث تداوم این نظام شده‌است. واقعیت هم همین است هر اصلاحی عمر نظام و هر مجموعه‌ای را افزایش می‌دهد. جالب است که هسان الحانجی که از آن طرف به او توهین می‌شود، این طرف هم دشمنان اصولگرای افراطی ایشان در برخی رسانه‌ها کنده‌ای بدتر از آن را به کار می‌برند. شما لحاسب کنید وقتی یک کسی بگوید هم وقتی که از دو طرف نسبت به ایشان چنین مواضع اتخاذ شسود، و وقتی ایشان می‌گوید: «من موافق براندازی این نظام و نبودن نظام جمهوری اسلامی نیستم. حتی حاضر به نبودن این قانون اساسی نیستم. البته برای اصلاح قانون اساسی ممکن است اشکالی بر آن داشته باشم اما به دنبال نفی آن نیستم.» لذا او در عین حال باید بگوید که نظرات و حرف‌هایم چیست است که بگویند. من در کنار نظام هستم و معتقد به اصلاحات هستم. بنظر من این تندگی که از دو طرف علیه ایشان می‌شود باید آدم آن‌را منصفانه در نظر بگیرد.

**-یعنی شما می‌گوئید او توسط گروه‌های تند اصلاحات مصادره نشده‌است؟**

به هر حال خاتمی تحت تأثیر همه نیروها قرار دارد منتهی انسان است و وقتی کسی با شما حرف بزند و شما گوش نکنید با شما بلند صحبت می‌کند. یا غیر از این است؟
اینی دیگر یکی و غیر بحثی ندارد چون هر آدمی می‌خواهد حرفش را بزند بعد هم ایشان مدت‌ها طرف خطایش مردم بودند و لحن صحبتش با مردم منسخص بود ولی در حال حاضر خطاب سخنانش به مسئولان است و ممکن است در این شرایط بگویند افراطی شده‌است. وقتی که به مردم می‌گویند معقول باشید می‌گویند عالی است، ولی وقتی که به مسئولان می‌گوید در دست عمل کنید تا وضعیت بدتر نشود، می‌گویند که تندرو شده و از نظام خارج شده‌است.

**-پس بایدبه سعیدنور محمدی‌سنخگوی حزب ندای ایران این حق داد که گفته‌است از سال ۷۵ تا الان کوچک‌ترین تغییری در ذهن او اراده احکامان بر جبهه اصلاحات صورت نگرفته‌است. او اعتقاد دارد، این نسل اصلاح طلب خسته است و وارد پیری شده است.**

آقای نورمحمدی انسان با شعوری است و شما بریده حرف او را می‌گویند و انشالله منظور او خوب بوده است.

**-تخته‌ای اگر جامانده بفرمائید.**

مطلب خاصی به نظر نمی‌آید فقط می‌خواهم بگویم این استت که رسانه باید اعتماد مردم را حفظ کند و متأسفانه رسانه‌های ما آن‌را حفظ نکردند. صدا و سیما که هیچ و رسانه‌هایی که کمی معتدل بودند، توجه کنند که اگر بخواهند نظام جمهوری اسلامی را تقویت کنند راهش این است که رسانه قابل اعتمادی برای مردم باقی بمانند. به هر حال مردم ناراضیاتی‌های فراوانی دارند و هر چقدر هم با آنها تقفاد کنیم باز آنها به خاطر ناراضیاتی‌ها و گرفتاری‌هایشان آن طرف قضیه را در نظر می‌گیرند لذا نباید رسانه‌ها را کلاً در کشور از خاصیت بیندازیم تا همه مراجعات مردم به رسانه‌هایی باشد که در داخل کشور نیستند و طبیعتاً لحنشان با اینجا متفاوت است. اشکالی ندارد خیرگزاری بوده‌ج از دولت بگیرد اما دولت را درست و حسابی نقد نکنند. نقدی اصولی و غیر شععاری و اشکالات و نواقص را ببینیم.

و شهرستان‌ها هست من گمان می‌کنم که نیروهای دلسوز تری از صلاحیت‌ها داشته باشیم. نمی‌خواهم منفی گویی کنم امسا مثلاً نماینده‌ای به مجلس رفته است که دکترای ادعایش اعتبار نداشته است یا سایر مدارک در بخش‌های دیگر او، به هر صورت این اظهار نظر‌ها در خصوص این مشکلات انجام شده‌است. مجازات قبل از اقدام یعنی آنکه قبل از اینکه کسی رد صلاحیت شود که اتفاقاً شاید این کار انجام نگیرد، درست نیست انجام شود؛ چون بالاخره ما در برخورد شورای نگهبان و مجموعه نظام یک نوساناتی را در این ۳۰الی ۴۰ ساله داشته‌ایم. یعنی دوره‌های بوده‌است که کسانی برای مجلس تأیید صلاحیت نشدند ولی حتی برای ریاست جمهوری احراز صلاحیت شسندند یا شخصی برای یک دوره مجلس برای یک شهرستانی تأیید صلاحیت نشده است ولی در دوره بعد و برای یک حوزه انتخابیه دیگر صلاحیتش تأیید شده‌است. نمی‌خواهم اسم بالاخره مجموعه شورای نگهبان و دستگاه‌های نوساناتی را در این ۳۰الی ۴۰ ساله داشته‌ایم. یعنی دوره‌های بوده‌است که کسانی برای مجلس تأیید صلاحیت نشدند ولی حتی برای ریاست جمهوری احراز صلاحیت شسندند یا شخصی برای یک دوره مجلس برای یک شهرستانی تأیید صلاحیت نشده است ولی در دوره بعد و برای یک حوزه انتخابیه دیگر صلاحیتش تأیید شده‌است. نمی‌خواهم اسم بالاخره مجموعه شورای نگهبان و دستگاه‌های نوساناتی را در این ۳۰الی ۴۰ ساله داشته‌ایم. یعنی دوره‌های بوده‌است که کسانی برای مجلس تأیید صلاحیت نشدند ولی حتی برای ریاست جمهوری احراز صلاحیت شسندند یا شخصی برای یک دوره مجلس برای یک شهرستانی تأیید صلاحیت نشده است ولی در دوره بعد و برای یک حوزه انتخابیه دیگر صلاحیتش تأیید شده‌است. نمی‌خواهم اسم

امینتی جهت‌گیری دارند و من هم با این نوع رد صلاحیت‌ها مخالف هستم و فکر می‌کنم باید خیلی بازتر از این برخورد شود و به این معنایی که این همه آدم شناخته شده را بگوئیم صلاحیت ندارند، نباشد زیرا پس چه کسی صلاحیت دارد؟ آیا آنهايي که فقط ما قبول داریم؟ اما بالاخره تأیید صلاحیت‌ها تابع جوری است. مجموع شرایط کشور هم به گونه‌ای است که در نظر سیاسی شرایط مناسبی در کشور وجود ندارد و کارنامه درخشانی را از این مجموعه یکدست نمی‌توانیم ارائه دهیم، بنا بر این باید به گونه‌ای عمل شود که همه نیروها کمک کنند شاید شورای نگهبان و مسئولان وزارت کشور هم به این نتیجه برسند که لازم است مشارکت عمومی بالا باشد و ما امیدواریم

اینکه او را زندان کردند مشکل را حل می‌کند؟
**-پاسخگوی این امر بخش قضائی کشور است که حتماً برایش پاسخی دارند.**

این هم آقای تاج زاده باید پاسخ بدهد.

**-به‌نظر خاتمی نباید از مواضع قبلی خود عبور کند. موافقت نمی‌خواهم بگویم پدر اما او در نقش برادر بزرگتر اصلاحات است؟ خیلی از گروه‌های مختلف اعم از میانه رو و تند رو راحتم پوشش قرار می‌دهد ولی گویا خاتمی مصادره یک جریان خاص شده است؟**

# کلیه سفارشات کلیه سفارشات کلیه سفارشات

# تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

# MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل

ثبت‌نام‌ها به ما فرصتی بیشتری می‌دهد. تا بررسی دقیق‌تری از صلاحیت‌ها داشته باشیم. نمی‌خواهم منفی گویی کنم امسا مثلاً نماینده‌ای به مجلس رفته است که دکترای ادعایش اعتبار نداشته است یا سایر مدارک در بخش‌های دیگر او، به هر صورت این اظهار نظر‌ها در خصوص این مشکلات انجام شده‌است. مجازات قبل از اقدام یعنی آنکه قبل از اینکه کسی رد صلاحیت شود که اتفاقاً شاید این کار انجام نگیرد، درست نیست انجام شود؛ چون بالاخره ما در برخورد شورای نگهبان و مجموعه نظام یک نوساناتی را در این ۳۰الی ۴۰ ساله داشته‌ایم. یعنی دوره‌های بوده‌است که کسانی برای مجلس تأیید صلاحیت نشدند ولی حتی برای ریاست جمهوری احراز صلاحیت شسندند یا شخصی برای یک دوره مجلس برای یک شهرستانی تأیید صلاحیت نشده است ولی در دوره بعد و برای یک حوزه انتخابیه دیگر صلاحیتش تأیید شده‌است. نمی‌خواهم اسم بالاخره مجموعه شورای نگهبان و دستگاه‌های نوساناتی را در این ۳۰الی ۴۰ ساله داشته‌ایم. یعنی دوره‌های بوده‌است که کسانی برای مجلس تأیید صلاحیت نشدند ولی حتی برای ریاست جمهوری احراز صلاحیت شسندند یا شخصی برای یک دوره مجلس برای یک شهرستانی تأیید صلاحیت نشده است ولی در دوره بعد و برای یک حوزه انتخابیه دیگر صلاحیتش تأیید شده‌است. نمی‌خواهم اسم بالاخره مجموعه شورای نگهبان و دستگاه‌های نوساناتی را در این ۳۰الی ۴۰ ساله داشته‌ایم. یعنی دوره‌های بوده‌است که کسانی برای مجلس تأیید صلاحیت نشدند ولی حتی برای ریاست جمهوری احراز صلاحیت شسندند یا شخصی برای یک دوره مجلس برای یک شهرستانی تأیید صلاحیت نشده است ولی در دوره بعد و برای یک حوزه انتخابیه دیگر صلاحیتش تأیید شده‌است. نمی‌خواهم اسم

امینتی جهت‌گیری دارند و من هم با این نوع رد صلاحیت‌ها مخالف هستم و فکر می‌کنم باید خیلی بازتر از این برخورد شود و به این معنایی که این همه آدم شناخته شده را بگوئیم صلاحیت ندارند، نباشد زیرا پس چه کسی صلاحیت دارد؟ آیا آنهايي که فقط ما قبول داریم؟ اما بالاخره تأیید صلاحیت‌ها تابع جوری است. مجموع شرایط کشور هم به گونه‌ای است که در نظر سیاسی شرایط مناسبی در کشور وجود ندارد و کارنامه درخشانی را از این مجموعه یکدست نمی‌توانیم ارائه دهیم، بنا بر این باید به گونه‌ای عمل شود که همه نیروها کمک کنند شاید شورای نگهبان و مسئولان وزارت کشور هم به این نتیجه برسند که لازم است مشارکت عمومی بالا باشد و ما امیدواریم

**-آیا این دو قطبی‌سازی و برای گرفتن امتیاز نیست؟ عده‌ای از اصلاح طلب‌ها گفتند نمی‌خواهیم در انتخابات شرکت نمی‌کنیم و عده‌ای هم می‌گویند حالا فعلا پیش ثبت نام‌ها را انجام دهیم تا بعداً ببینیم چه می‌شود؟**

من نمی‌گویم اصلاح طلبان مقصر هستند اما به هر حال اگر شما در مقام قدرت به هر دلیلی نتوانید چنین حرکتی کنید و حتی در جایگاه‌های مشابه مثل نمایندگی مجلس و وزارت‌خانه‌ها کاری انجام ندادید و تا یک شرایطی و مقطعی فرصتی پیش آمده به نظر من چنین حرکتی یک کار سطحی بوده که انجام ندادند.

**-جسارتا می‌توانیم بگوئیم کار پوپولیستی بوده است؟**

حالا شاید برای جذب افکار عمومی بوده (با خنده)، آن قسمتش اتهام است اگر بخواهیم بزنیم اما به نظر من یک کار سطحی بوده که گویا مثلاً هیجان شیدند.

**-گویا آقای خاتمی مخالف بوده‌اند در این زمینه اطلاعی دارید؟**

نه نمی‌دانم. من هیچ صحبتی در این زمینه با آقای خاتمی نداشتم اما به نظر من کار پخته‌ای نبوده است.

**- برخی جریانات اصلاحات نگاه تندی نسبت به انتخابات دارند. در ایام هر انتخاباتی بحث نظرات استصوابی را مطرح و بعد نتیجه گیری می‌کنند که حضور ما در انتخابات بی‌فایده است که البته این روش همیشگی آنها در هر انتخاباتی بوده است؛ حالا برای انتخابات مجلس بهانه جدیدی هم پیدا کردند و آن اغتشاشات سال گذشته است و به جای تلاش برای رفع مشکلات مردم می‌گویند مردم ناامید هستند و در انتخابات شرکت نمی‌کنند و ... شما این را می‌پذیرید که این بحث روش و تاکتیک است که دیگر فایده‌ای ندارد و با توجه به واقعیت‌های میدانی که مشاهده می‌کنند آنها را ادامه می‌دهند؟**

ایجاد ایسن روحیه و این جهت‌گیری بیشتر معلول حرکت نظام است، چون وزارت کشور، شورای نگهبان و قانون مجلس سه گونه‌ای با هم تنظیم می‌شوند که کسی غیر از افرادی که مد نظر خودشان است و صالح می‌دانند در انتخابات فرصتی پیدا نکند. مخصوصاً این قانون جدیدی که تصویب شده و گفتند تا این تاریخ پیش ثبت نام انجام دهید. در حالی که هنوز در جریانات سیاسی رایزنی‌های انتخاباتی آغاز نشده‌بود. این در واقع یک هشدار ی البته نمی‌شود درباره عملکرد شورای نگهبان قضاوت کرد چون شورای نگهبان در هر دوره‌ای برخوردهای متفاوتی داشته‌است، یعنی بعضی دوره‌ها سخت‌گیری‌ها بیشتر بوده بعضی دوره کمتر بوده است از آن طرف من در برخی جلسات از دوستان اصلاح طلب سوالی را پرسیدم؛ ما اگر انتخابات را هم کنار بگذاریم چه باید بکنیم؟ یا باید از کار سیاست کنار گیری کنیم یا باید به یک شیوهای حرف خودمان را بزنیم. اگر بخواهیم متوسل به نظارات و خیابان شوئیم که این کار سیاسی نمی‌شود. حالا یک وقت نظارات موردی پیش می‌آید، اتفاقی می‌افتد و مردم به هیجان می‌افتند که بحث آن جدا است ولی یک جریان سیاسی که نمی‌تواند بگوید که من می‌خواهم همه کار سیاسی خود را با نظارات و در خیابان انجام دهم!

**-و با صندوق قهر کند؟**

بله؛ در واقع تمام همت جمهوری اسلامی و حتی از قبل آن از زمان مشروطه تا حالا این بوده است که ما کاری کنیم که در کشور انتخابات باشد و برگزار شود. حالا کاری ندارم انتخابات را عده‌ای در دست بگیرند و بخش‌هایی مانند شورای نگهبان سخت گیری‌های بی مورد انجام دهند و دستگاه‌های امنیتی دخالت بکنند، که اینها کار غلطی است و ما آنرا قبول نداریم؛ ولیسی از آن طرف هم به‌طور کلی نباید کاری کنیم که کلاً مفهوم انتخابات در کشور از بین برود و بیچ و مهره انتخابات را بنیاد شل کنیم. در هر شرطی به‌نظر من اگر کسی معتقد باشد نظام جمهوری اسلامی با همه انتقادها و ایرادهایش بالاخره باید اصلاح شود، راه‌اصلاح اگر انتخابات نیستی پس چیست؟ اینکه بگوئیم این دوره در انتخابات شرکت نمی‌کنید پس بعدها انتخابات ریاست جمهوری را چه کار می‌کنید؟

# صنایع چوب

# حلاج کیش